

مفاد

شک در ملکیت شیء در تسلط خود یا دیگری

قاعده ید

ادله

الف) از ضروری بودن دین و سیره: همگی مسلمانان این قاعده را قبول دارند و روش مستمر مسلمانان در جمیع اعصار (و عصر حضور معصومین ع) این بوده که با دارنده شیء معامله کرده، و بدون اذن و اجازه او در آن تصرفی نمی کردند

ب) بنای عقلاء: [صغری]: نظر مجموع عقلا بر این است که وقتی فردی چیزی را در تصرف دارد، ظاهر و اصل این است که مالک آن است [کبری]: شارع این عمل عقلا را منع نکرده است [نتیجه]: پس شارع این قاعده را در شرعیات قبول دارد

ج) اجماع قولی و فعلی

د) لزوم حرج و اختلال نظام

امام صادق (ع) فرمود: «لو لم یجز هذا لم یقم للمسلمین سوق» یعنی اگر این امر جائز نباشد برای مسلمانان بازاری برپا نمی ماند / وسائل الشیعه حر بن عاملی، ج ۱۸، ص ۲۱۵، کتاب القضاء، باب ۲۵ حدیث ۲

امام صادق (ع): «من استولی علی شیء منه فهو له» یعنی کسی که بر چیزی تسلط دارد، آن چیز متعلق به اوست / وسائل الشیعه، ج ۱۷ ص ۵۲۵، باب ۸ از ابواب میراث الازواج، حدیث ۳

حضرت علی ع در ماجرای مذاکره با ابوبکر بر سر فدک میفرمایند: «فاذا کان فی یدی شیء فادعی فیہ المسلمون تسألنی البینه؟ یعنی اگر در دست من چیزی است و مسلمانان ادعا می کنند آیا از من بینه می خواهی؟ / وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۲۱۵، کتاب القضاء، باب ۲۵، حدیث ۳

مسائل

تعریف ید: «ید عبارت است از سلطه و اقتدار شخص بر شیء به گونه ای که عرفا آن شیء در اختیار و استیلا او باشد و بتواند هر گونه تصرف و تغییری در آن به عمل آورد» قواعد فقه (محقق داماد) ج ۱ ص ۲۸* اینکه تسلط و ید به چیزی تعلق دارد را عرف تشخیص میدهد

ید النفس: شک در ملکیت شیء خود

ید الغیر: شک در ملکیت شیء شخص دیگری

جایز است: قول محقق کرکی

جایز نیست: قول محقق حلی

میتوان به ذوالید بودن شخصی شهادت داد اما شهادت به ملکیت

قاعده ید را مرحوم نراقی از اصول و دیگران همچون بروجردی، خوئی، شیخ انصاری و امام خمینی از امارات میدانند

تطبیق

صاحب الجواهر: إذا اختلف المالك للدار مثلا والمستأجر لها فی الكنز فان اختلفا فی ملكه بأن قال کل منهما انه لی فالقول قول المالك المؤجر مع یمینه لاصاله یده، و فرعية ید المستأجر عنها، و قیل قول المستأجر، لفعلیة یده، و مخالفه دعو المؤجر الظاهر المتعارف من عدم إجاره داره و فیها کنز